نگاه

آل پاچینو پنجاهمین سالگرد «بعدازظهر سگی» را جشن گرفت

مهر: آل پاچینو در اکران فیلم «بعدازظهر سگی» در پنجاهمین سالگرد ساخته‌شدن این فیلم در سینماتک آمریکا با جمعی از همکاران شرکت کرد.

پاچینو با خنده گفت: باید گفت همیشه یک سالگرد ۵۰سالگی هست. یعنی ۵۰سالگی «پدرخوانده» را جشن گرفتیم، ۵۰سالگی «پدرخوانده قسمت دوم» را جشن گرفتیم و حالا نوبت این یکی است.

این اسطوره دنیای بازیگری که اکنون ۸۴ساله است، به جمعیتی که گرد آمده بودند گفت تماشای دوباره «بعدازظهر سگی» احساسات متفاوتی در او برانگیخت چون بسیاری از آنهایی که در این فیلم با او بودند، رفته‌اند. وی گفت تماشای این فیلم روی یک صفحه نمایش عظیم، بسیار عالی است و از سیدنی لومت به عنوان یک کارگردان فوق‌العاده یاد کرد و افزود: از تماشای کارهایی که او برای این فیلم انجام داد و همه بازی‌ها، به خصوص دختران و افراد حاضر در بانک و البته جان کاسال، شگفت‌زده شدم. زنی که نقش مادرم را بازی کرد، جودیت مالینا است که کارش را خارج از برادوی آغاز کرد و او کارگردان و بازیگر تئاتر بزرگی بود و برای من الهام‌بخش بود. دیدن دوباره او... دیدن دوستان قدیمی بسیار تکان‌دهنده است و البته باید بگویم این فیلم خیلی غم‌انگیز است.

آل پاچینو در پاسخ به اینکه سرگرم‌کننده‌ترین نقشی که ایفا کرده کدام بوده، گفت: «دیک تریسی» و توضیح بیشتری درباره کارگردان و بازیگر آن فیلم، وارن بیتی، نداد؛ اما اندکی بعد او در پاسخ به یکی دیگر از شرکت‌کنندگان که از او خواست نقش مورد علاقه خود را نام ببرد، بدون اشاره به سه فیلمی که سال ۲۰۲۴ در پاسخ به همین سؤال انتخاب کرده بود، انتخابی عام‌تر کرد و از «صورت‌زخمی» یاد کرد.

او همچنین افزود نقشی که فیلم‌برداری‌اش در اکتبر به پایان رسید، هم می‌تواند یکی از محبوب‌ترین نقش‌های او باشد: «لیر رکس» به کارگردانی برنارد رز. وی گفت: این شکسپیر است. در فیلمی که در حال تدوین است، نقش لیر را بازی کردم و من هنوز زنده هستم. او از همکاری با پیتر دینکلیج و جسیکا چستین هم در این فیلم یاد کرد و گفت: ما (رز و خودش) شروع به نوشتن اقتباس کردیم و حالا حتی پس از فیلم‌برداری فیلم هم هنوز داریم روی متن کار می‌کنیم. انجام آن با وجود اینکه یک سال، یک‌سال‌ونیم طول کشید، اما لذت‌بخش بود و حالا در حال بازی با تدوین و چیزهای دیگر هستیم که باید چهار یا پنج سال دیگر طول بکشد!

پاچینو در پاسخ به «چالش‌برانگیزترین نقش» خود گفت نیمی از نقش‌هایی که بازی کرده را یک چالش می‌دانست و قطعا «بعدازظهر سگی» هم در میان آنها جای دارد.

او سپس با شوخی یکی از کم‌چالش‌ترین نقش‌هایش را مطرح کرد: نقشی که در فیلم آدام سندلر «جک و جیل» در سال ۲۰۱۱ بازی کردم. مردم فکر می‌کنند من تبلیغ دانکین دوناتز را انجام دادم! و خندید. وی گفت: من واقعا این کار را فقط در فیلم آدام سندلر انجام دادم و چیزی هم بابتش دریافت نکردم.

در این برنامه جنی لومت، دختر کارگردان سیدنی لومت که در زمان ساخت فیلم در سال ۱۹۷۴ یک بچه بود هم حضور داشت. جنی لومت گفت: دلم برای پدرم تنگ شده و یادآوری کرد که پدرش ابتدا یک بازیگر بود و حرفش با تأیید پاچینو روبه‌رو شد که گفت: سیدنی واقعا بازیگر خوبی بود!

پاچینو همچنین از این گفت که تقریبا نقش را رد کرده بود و حتی گفته شد داستین هافمن جای او وارد عمل می‌شود.

او گفت: باور کنید یا نه، «بعدازظهر سگی» را رد کردم. یادم می‌آید در آن زمان چیزهای زیادی را پشت سر می‌گذاشتم، زیرا داشتم با اولین فیلم‌های زندگی‌ام، با دنیای جدید سازگار می‌شدم.

این بازیگر گفت بعد از بازی در فیلم‌های «پدرخوانده» تمایلی به فیلم‌هایی با جنبه جنایی را نداشت و در ادامه افزود: گفتم، این کار را نمی‌کنم. من دیگر نمی‌خواهم این کار را انجام دهم، با اسلحه و چیزهایی مانند سرقت از بانک کاری ندارم. من این‌کاره نیستم. به اندازه کافی این کار را انجام داده‌ام. آنها شخص دیگری را داشتند که این کار را انجام دهد و این از نظر من خوب بود. اما مارتی برگمن به من زنگ زد و گفت: «آل، عقلت سر جاشه؟» گفتم: «آره، هست» بعد گفت: «ببین، آل، لطفا» گفتم: «نه، من قصد سرقت از بانک‌ها را ندارم» و او گفت: «این کار را برای من انجام بده. لطفا فیلم‌نامه را دوباره بخوان»، گفتم: «باشه، من این کار را برای تو می‌کنم» و بعد فیلم‌نامه را باز کردم و دوباره شروع به خواندنش کردم و فکر کردم، چی؟ باید این فیلم را بسازم!

پاچینو برای ایفای نقش سانی در فیلم «بعدازظهر سگی» نامزدی اسکار را به دست آورد و برنده جایزه بفتا شد.

او درباره کارکردن با سیدنی لومت که کارگردانی «سرپیکو» را نیز بر عهده داشت، گفت: کارکردن با او بسیار لذت‌بخش بود، زیرا او تمرین می‌کرد. ما این روزها زیاد تمرین نداریم، اما او سه هفته با همه ما تمرین کرد و درباره نحوه دزدی از بانک و... او می‌گفت: «من کارگردان هستم. بنابراین من کارگردانی می‌کنم» و با انگشت اشاره می‌کرد: «تو برو اینجا، برو اونجا، و بعد برو اونجا» و من فقط کاری را انجام دادم که او گفت. همه ما این کار را کردیم... و واقعا احساس کردیم که در حال سرقت از بانک هستیم... بودن با او لذت‌بخش بود؛ من او را دوست داشتم.

اما پاچینو دقیقا همان چیزی را که لومت گفته بود، در هنگام ساختن «بعدازظهر سگی» انجام نداد. او گفت شخصیت‌پردازی متعلق به خودش بود و تصدیق کرد آن‌قدر به بازیگری متد نزدیک شد که در صحنه فیلم‌برداری ترسناک باشد.

او چنین به خاطر آورد: یادم می‌آید که ما سه هفته تمرین کردیم. اگرچه سرقت به تصویر کشیده‌شده از زندگی واقعی و تقریبا همه شخصیت‌ها بر اساس شخصیت‌های واقعی شکل گرفته، من تحقیق نکردم. معمولا، وقتی نقش کسی را بازی می‌کنم که واقعی است سراغ خودش می‌روم و با او صحبت می‌کنم. مثلا، من زمان زیادی را با (فرانک واقعی) برای «سرپیکو» گذراندم. اما برای این کار به دلایلی خودم این شخصیت را پیدا کردم. درواقع او به سراغم آمد... خودم تمام شب در خانه بیدار بودم و فیلم‌نامه را خواندم و این شخصیت را با فیلم‌نامه پیدا کردم... سر فیلم‌برداری همه فکر کردند که من در بانک دچار یک حمله عصبی شده‌ام. بازیگران همکارم و سیدنی همه فکر می‌کردند حالا با او چه بکنیم؟

فقط چند فیلم‌برداری اضافی انجام دادیم. چند ماه بعد من برگشتم تا دیالوگ‌هایی که خوب شنیده نمی‌شد را دوباره اجرا کنم. اما من نتوانستم این کار را انجام دهم. این شخصیت از وجودم بیرون رفته بود و برای من خیلی سخت بود که مثل او صحبت کنم یا دوباره شبیه او باشم.

«بعدازظهر سگی» درام نئونوآر جنایی به کارگردانی سیدنی لومت محصول ۱۹۷۵ است. جان کازال و کریس ساراندون دیگر بازیگران فیلم بودند. این فیلم در چند بخش نامزد اسکار بود و در نهایت برنده جایزه بهترین فیلم‌نامه غیراقتباسی شد.

انیمیشن «در سایه سرو»؛ داستانی عمیق و انسانی

فرزانه متین: هفته گذشته، سینمای ایران یک دستاورد مهم داشت و آن به دست گرفتن مجسمه طلایی اسکار توسط شیرین سوهانی و حسین ملایمی برای انیمیشن «در سایه سرو» بود. حالا ایران بعد از دوگانه اصغر فرهادی، «جدایی نادر از سیمین» و «فروشنده»، سومین اسکار خود را هم دریافت کرد، آن هم از جایی که کسی انتظارش را نداشت.

این انیمیشن که محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است، با بردن بسیاری جوایز در جشنواره متعدد جهانی با نامزدشدنش در مراسم اسکار توانست شور و شوق فراوانی را برای سازندگانش و همچنین سینمادوستان به ارمغان آورد. این اسکار را باید نخستین قدم برای ایران در دنیای انیمیشن دانست.

«در سایه سرو»، جایی است که در فیلم تکنیک و محتوا بدون ردوبدل‌کردن هیچ‌گونه دیالوگی به هم پیوند می‌خورند و دنیای بومی و محلی به مایه‌ای جهانی بدل می‌شود. فیلمی ضد جنگ و انسانی که تلخ است و عواطف را نشانه گرفته است. پس از تماشای این اثر ۲۰ دقیقه‌ای که روایتش حول جنگ تحمیلی و تروماهای پس از آن است، حال مخاطب را هم خوب می‌کند و هم مشوش، حتی شاید، مخاطب ایرانی با تماشای آن به سفری دور و دراز (دوران جنگ) برود.

«در سایه سرو» به روایت زندگی یک پدر و دختر در خانه‌ای در کنار خلیج فارس می‌پردازد. پدری که ناخداست و سال‌ها قبل در جنگ تحمیلی، با کشتی‌اش به مبارزه پرداخته و همسرش را درون کشتی از دست می‌دهد. او دچار اختلال پس از سانحه شده، اختلالی که دست از سر آن مرد پس از سال‌ها برنمی‌دارد و دخترش هم دیگر نمی‌تواند از او مراقبت کند اما با به گل نشستن یک نهنگ جلوی خانه‌شان، زندگی آنها دستخوش تغییرات می‌شود.

فیلم سرشار از نمادهای ایرانی است و سازندگانش، انیمیشنی را به دنیا عرضه کردند که خوشبختانه فرهنگ ایرانی از دار قالی، نقش و نگار ایرانی حک‌شده بر روی ظروف و... در آن پررنگ است. در اولین تصویر از این انیمیشن با مردی روبه‌رو می‌شویم که در حال آسیب‌زدن به خودش است و به تدریج با چیدن پازل‌ها کنار یکدیگر، متوجه می‌شویم او دچار اختلال پس از سانحه (PTSD) است. در این اختلال فرد به خود و دیگران آسیب می‌رساند و دلایل زیادی باعث شکل‌گیری این اختلال می‌شود که جنگ، یکی از مهم‌ترین دلایل آن شمرده می‌شود. دوری‌گزینی، تکرار کابوس و خاطرات آزاردهنده تا طغیان عصبی به صورتی که چهره ناخدا، آبی‌رنگ می‌شود از ویژگی‌های این تروماست. حالا دختر این پیرمرد، خسته از مراقبت پدر، عزم سفر و دوری از او را کرده است که در فیلم، با یک فضای بصری دراماتیک می‌بینیم پدر چون نوری، دخترش را به آغوش می‌کشاند و انگار نمی‌خواهد تنها همدمش او را ترک کند. اما یک نهنگ به گل نشسته روبه‌روی خانه آنها، دختر را از سفر منصرف می‌کند. این نهنگ نمادِ از بین رفتن سردی بین پدر و دختر است و هرکدام به نحوی می‌خواهند او را نجات دهند، دختر با آب‌پاشیدن و انداختن حوله‌ها و پدر با گره‌زدن طناب به دم نهنگ و کشیدن آن توسط کشتی‌اش به درون آب.

ناخدا باید برای فرار از گذشته‌ها و زخم‌های بازش به فکر چاره‌ای باشد اما او همچنان در حال بازسازی خاطراتش است مخصوصا زمانی که کشتی را رنگ می‌کند، زنده‌نگه‌داشتن آن دوران پررنگ‌تر می‌شود. اما افتادن دائم قاب عکس از دیوار اتاقک کشتی این هشدار را به ناخدا می‌دهد که باید خاطرات سخت و تلخش را دور بیندازد و به آینده‌ای در کنار دخترش دل ببندد نه به گذشته‌ای تلخ و تاریک.

در نهایت ناخدا با غرق‌کردن کشتی که خودش در آن حضور دارد، باعث می‌شود که نهنگ هم به آب فروکشیده شود. نهنگ در حال غرق‌شدن است و دختر که پدرش را نمی‌بیند، سراسیمه با قایق وارد دریا می‌شود، پیرمرد که می‌بیند با فرورفتن کشتی، نهنگ هم می‌میرد، از کشتی بیرون می‌آید، طناب‌ها را باز می‌کند و در اینجاست که دختر، پدر را می‌بیند و هراسان از ترس ازدست‌دادنش به سمت وی می‌رود و این داستان سرشار از نماد به پایان می‌رسد. سرو در فرهنگ ایرانی به معنای ایستادگی و مبارزه است و در این انیمیشن به مقام والای پدر اشاره دارد.

این داستان به‌حدی عمیق است که نه نیازی به دیالوگ دارد و نه به فریم‌های پیچیده. به حدی این روایت غیرخطی هوشمندانه ساخته شده که ما عواطف و احساسات را تنها از طریق تصاویر بسیار ساده و موسیقی متن ایرانی و جنوبی آن متوجه می‌شویم.

تمثیل و نشانه «در سایه سرو» بسیار زیاد است. این روایت به خوبی توانست در مدت‌زمان کوتاهش، اثرات پس از جنگ را به دور از هرگونه اضافه‌گویی، شعارزدگی و بدون ردوبدل کردن دیالوگ به تصویر بکشند. اینکه جنگ چگونه می‌تواند تأثیرات مخربی در روان انسان‌ها به جا گذارد به صورتی که آثار آن تا سال‌ها همچنان باقی بماند. همین موتیف‌های ساده است که «در سایه سرو» را تبدیل به اثری درخور و قابل احترام کرده که هر مخاطبی را از سراسر جهان می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد.

فضای بصری انیمیشن فاقد پیچیدگی است اما آنچه به آن رنگ و لعاب می‌دهد احساسات ناشی از درد، تنهایی، ترس، نجات و امید است. این اثر مفهومی نشان می‌دهد که هنر یک زبان جهانی است که می‌تواند قلب‌ها را به هم نزدیک کند.

ساخت «در سایه سرو» با تکنیک دوبعدی دستی و فریم به فریم از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ به طول انجامید و حالا نام شیرین سوهانی و حسین ملایمی در کنار اصغر فرهادی در سینمای ایران تا ابد می‌درخشد.

اقتصادیات برندسازی سیاسی

ادامه از صفحه اول

نتیجه استقرار چنین نظمی تولید و عرضه محصولات بهتر و تأمین رفاه و منافع بیشتر برای جامعه است.

حال شرایطی را تصور کنید که با هر توجیهی این نظم سازنده و مفید در بخشی از اقتصاد ملی یا تمام آن کنار گذاشته شود. به‌عنوان نمونه در صنعت خودروسازی دسترسی مصرف‌کنندگان به خودروی وارداتی را به‌شدت محدود کنیم و حتی وقتی با این واقعیت تلخ روبه‌رو می‌شویم که یک مدل خاص خودروی داخلی به دلیل مشکلات فنی و امکان بروز خطر آتش‌سوزی جان سرنشین خود را به خطر می‌اندازد، رسانه‌ها را از افشای مشخصات این خودرو منع کنیم. بی‌تردید چنین شرایطی منجر به این خواهد شد که کیفیت محصولات داخلی هر روز افت بیشتری را تجربه کند، زیرا تولیدکنندگان داخلی اصلا خود را به اصلاح رویه‌ها و تلاش مستمر برای جلب رضایت بیشتر مشتریان نیازمند نخواهند یافت زیرا به قول معروف لزومی ندارد سری که درد نمی‌کند، دستمال ببندیم.

امروز بعد از گذشت چند دهه اصرار بر اجرای سیاست حمایت گسترده از صنعت خودروسازی نتیجه این اصرار غیرکارشناسانه را می‌بینیم: مردم ما از سر استیصال و درماندگی خودروی با کیفیت بسیار نازل را با قیمت چندبرابر بازار جهانی خریداری می‌کنند. اتلاف نجومی سوخت در خودروهایی با راندمان پایین و اتلاف وقت و پول مردم برای تعمیرات زودتر از موعد خودروهایی که از همان زمان تحویل معیوب هستند، هم بحث دیگری است که بماند.

مشابه این وضعیت در عالم سیاست هم مشاهده می‌شود: احزاب سیاسی در رقابت با همدیگر متاع خود را به بازار عرضه کرده و تلاش می‌کنند با جلب اعتماد مردم، رأی آنان را به دست آورند. نتیجه این رقابت سالم بهبود شیوه‌های مدیریت و حرکت در مسیر شایسته‌سالاری است. با کنارگذاشتن این نظم از سپهر سیاسی کشور و ایجاد حاشیه امن برای برخی جریان‌های سیاسی خودی، جامعه در این مسیر نادرست پیش خواهد رفت که شایستگان و خردمندان خانه‌نشین شده و افرادی در حد و اندازه کوچولوهای سیاسی معرکه‌گردان شوند؛ همان افرادی که اگر محدودیتی برای برخی جریان‌های سیاسی کشور ایجاد نمی‌شد، هیچ شانسی برای حضور در صحنه سیاست نداشتند.

در چنین شرایطی است که می‌بینیم امکان ورود به مجلس با کمترین تعداد آرا برای اعضای فلان جریان سیاسی فراهم می‌شود. چنین افرادی به محض نشستن بر صندلی پارلمان به جای تلاش برای حل مشکلات مردم و مطرح‌کردن خواسته واقعی آنان در خانه ملت، برنامه‌های سیاسی و فرهنگی جریان سیاسی متبوع خود را قدم به قدم پیش می‌برند. بهترین شاهد این مدعا تلاش برخی نمایندگان برای هر چه بیشتر محدودکردن دسترسی شهروندان به فضای مجازی است. گویی مردم نمایندگانی را به مجلس فرستاده‌اند تا با توهین به شعور آنان، راه دسترسی به اطلاعات را برایشان ببندند!

گفتنی است در فروردین ۱۳۹۴ دو نفر از نمایندگان با این سؤال عجیب وزیر وقت ارتباطات را به مجلس احضار کردند که «دلایل توسعه شبکه و پهنای باند اینترنت توسط وزارت ارتباطات بدون پیوست فرهنگی و قبل از راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات و بی‌توجهی به ظرفیت داخلی چیست؟ علت عدم ابلاغ ضوابط بهره‌برداری از اینترنت تلفن همراه چیست؟» و عجیب‌تر اینکه مجلس وقت به وزیر کارت زرد داد که چرا سرعت اینترنت را افزایش داده است! و این در شرایطی بود که عمده شکایت شهروندان از خدمات اینترنت در حوزه محدودیت دسترسی و سرعت اندک بود که البته این خواست مردم برای نمایندگانشان اصلا اهمیتی نداشت.

با وجود شباهت جدی بین دو وضعیت اشاره‌شده در عالم اقتصاد و سیاست، باید به یک تفاوت معنی‌دار هم توجه کرد: در عالم اقتصاد شهروندان با وجود نارضایتی از محصول و ابراز آن در فضای مجازی به طور گسترده، باز هم به خرید ادامه خواهند داد، حداقل با این انگیزه که دارایی نقدی خود را از خطر کاهش قدرت خرید حفظ کنند. اما در عالم سیاست مردم با صندوق‌های آرا قهر خواهند کرد. همان‌گونه که در چند مورد انتخابات اخیر شاهد این اتفاق ناگوار و خطرساز بودیم.

بااین‌حال راه خروج از بحران در هر دو میدان اقتصاد و سیاست بسیار مشابه است: در میدان اقتصاد باید به سمت هرچه بیشتر رقابتی‌شدن صنعت تولید خودرو حرکت کرد تا خودروسازهای بی‌اعتنا به خواسته شهروندان از گردونه فعالیت اقتصادی حذف شوند. در میدان سیاست هم باید با کنارگذاردن رفتارهای محدودکننده که به نفع یک جریان خاص سیاسی با کمترین اقبال مردمی تمام می‌شود، به تشویق رقابت سالم پرداخت. گسترش رقابت سالم در میدان سیاست موجب خواهد شد سیاست‌مداران مورداعتماد عامه مردم قدرت را به دست بگیرند و در مسیر جلب رضایت هر چه بیشتر شهروندان حرکت کنند. این اتفاق البته به دسترسی آسان یک جریان سیاسی تندرو هزینه‌ساز و فاقد پشتوانه مردمی به تریبون‌های عمومی و برداشت بی‌رویه از منابع عمومی برای تبلیغ افکار متوهمانه‌اش پایان خواهد داد.

آقای رئیس‌جمهور صادقانه با مردم سخن بگویید

ادامه از صفحه اول

آقای پزشکیان انتظار می‌رود که:

۱- مردم را از عمق مشکلات کشور آگاه کنید تا بتوانند برای آینده خود راهی منطقی پیدا کنند.

۲- موانعی که علت پیدایش مشکلات و بحران‌های گوناگون مانند ناترازی انرژی، محیط زیست و... است، کدام است؟ آنها را با مردم در میان بگذارید و راه‌حل کوتاه و میان مدت شما برای رفع آنها را به اطلاع مردم برسانید. آیا اساسا با وجود تحریم‌ها راه‌حل‌های واقعی وجود دارد؟

۳- برای بهبود روابط خارجی با همسایگان، کشورهای اروپایی، حل بحران با آمریکا و رفع تحریم‌ها چه باید کرد؟ جایگزین مذاکره با آمریکا چیست؟

آقای پزشکیان مردم می‌دانند که اختیارات شما محدود است اما متناسب با همین اختیارات محدود راه‌حل‌های برون‌رفت از برخی از مشکلات را به اطلاع مردم برسانید. پیشنهاد می‌شود صد مشکل اصلی کشور را فهرست کنید و آنهایی را که در محدوده اختیار شماست و قادر به حل آنها هستید، به مرحله اقدام و اجرا بگذارید و مسئولیت آنهایی را که با اختیارات شما همسان نیست، بر عهده نگیرید.

مردم را محرم بدانید و انتظارات خود را از مردم با آنها در میان بگذارید. گرچه گسست تاریخی ملت و دولت یک مانع مزمن و رنج‌آور است اما شاید به مدد صداقت و عدالت‌خواهی شما و همراهی مردم به‌ویژه آنها که به شما اعتماد کردند، بتوان گام‌های کوچک و اندکی برداشت تا اوضاع کشور و به‌ویژه در ناترازی‌ها بحرانی‌تر نشود. سکوت شما و دعوت پیوسته به وفاق و وحدت گرچه پسندیده است اما در شرایط فعلی کشور راهگشا نیست. به خودتان و مردم اعتماد و تکیه کنید و با مردم وفاق و اتحاد کنید، حتما اثر بیشتری نسبت به وفاق سیاسی با جریان‌هایی که همدل نیستند، می‌تواند داشته باشد. آنها که بانیان و کاسبان تحریم هستند، شایسته وفاق نیستند و هیچ‌گاه به آن پایبند نخواهند بود.

آقای رئیس‌جمهور همان‌گونه که اجرای قانون حجاب را به مصلحت کشور و مردم ندانستید، یکی دو سکوی مجازی را رفع فیلتر کردید، تعدادی از دانشجویان و استادان را به دانشگاه و کار بازگردانید، همین مسیر را ادامه دهید و تکمیل کنید، از ظرفیت بی‌انتهای مردم استفاده کنید. سال آینده را با شجاعت، صداقت و جدیت بیشتر و همگامی با مردم و اصالت‌بخشیدن به قدرت آنها آغاز کنید.

خبر برگزیده

«او» به باغ فردوس می‌آید

در دومین برنامه «شب‌های باغ فردوس» که روز چهارشنبه ۲۲ اسفند ساعت ۱۵ برگزار می‌شود، فیلم سینمایی «او» اکران شده و پس از آن جلسه نقد و بررسی فیلم با حضور رهبر قنبری کارگردان اثر، رضا ناجی بازیگر، پریسا ساسانی منتقد سینما، رستم ایران‌نژاد مجری و کارشناس، برگزار می‌شود. در این برنامه که «شب‌های باغ فردوس» نام دارد، یک فیلم از دانش‌آموختگان مرکز اسلامی آموزش فیلم‌سازی (باغ فردوس) به نمایش درمی‌آید و پس از آن گفت‌وگویی با حضور عوامل فیلم، منتقدان و تماشاگران شکل می‌گیرد. رضا ناجی، حسین پرستار و افسانه پورحسن از جمله بازیگران فیلم سینمایی «او» هستند.

داستان این فیلم درباره امام جماعت روستایی است که از او برای جانشینی امام جماعت فوت‌شده، روحانی شهر سرعین، دعوت می‌شود که این روحانی نمی‌پذیرد و... .

حضور برای علاقه‌مندان آزاد و رایگان است.

انتشار «خوش‌دلان» سعید پورصمیمی

مهر: سعید پورصمیمی در نمایش‌نامه «خوش‌دلان» براساس یک اتفاق تاریخی مستند، به بخشی از زندگی میرزا حسین مشرف اصفهانی، شاعر دوره صفوی، می‌پردازد. اصفهانی مدتی در دربار صفوی به‌عنوان مباشر معاملات دیوانی و سپس متصدی امور اصطبل دربار فعالیت کرده و تصمیم می‌گیرد به تقلید از خمسه نظامی، دیوان اشعاری در پنج جلد بنویسد و... .

سعید پورصمیمی هنر نمایش را ابتدا از کلاس‌های آزاد اداره هنرهای دراماتیک آغاز کرد و پس از چندی در گروه پازارگاد بازیگری را ادامه داد. او بعدها از دانشکده هنرهای زیبا در رشته بازیگری و کارگردانی فارغ‌التحصیل شد و پس از سال‌ها فعالیت در اداره تئاتر و تلویزیون، سرانجام به سینما روی آورد. اما همچنان خود را وابسته به هنر نمایش می‌داند و خوش‌دلان دهمین نمایش‌نامه‌ای است که از او منتشر شده است.

نشر نودا در حوزه ادبیات نمایشی ایران و جهان، بازیگری، پتره، نمایش‌های ایرانی، ادبیات داستانی و آموزش تئاتر، آثار مختلفی را به دبیری وحید لک به چاپ رسانده است که از آن جمله می‌توان به «ارتباط بداهه» توماس کالتنبرنر، «عشق مادری» آوگوست استریندبرگ، «رؤیای نیمه‌شب تابستان» ویلیام شکسپیر، «از تو می‌گویم» سیاووش طهمورث، «رویکردهای نوین در خوانش آثار اکبر رادی» فریندخت زاهدی، «میم» ناصر آقایی، «دو متر در دو مترجنگ» حمیدرضا آذرنگ، «سقراط» حمیدرضا نعیمی، «خروس می‌خواند» شهرام کرمی، «استیو جابز»، «مارلون براندو»، «کریملوژی» مهران رنجبر، «نام همه مصلوبان عیسی است» ایوب آقاخانی و «راست پنجگاه» سیدمحمد مساوات، اشاره کرد.

نمایش‌نامه «خوش‌دلان» بهار و تابستان سال ۱۴۰۲ به کارگردانی پریزاد سیف در سالن ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه بوده است.

۲ نمایش تازه در تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه می‌رود

مهر: نمایش «شک» به نویسندگی جان پاتریک شنلی، ترجمه محمد منعم و کارگردانی کورش سلیمانی و با بازی رؤیا افشار، بهنام تشکر، ویدا جوان و ساناز نجفی، از ۱۷ فروردین ساعت ۲۱ در سالن سمندریان تماشاخانه ایران‌شهر اجراهای خود را آغاز می‌کند. نمایش «بازی استریندبرگ» نوشته فردریش درونمات، ترجمه حمید سمندریان و کارگردانی محمدرضا مالکی با بازی محمدرضا مالکی، صفورا خوش‌طینت و مجید اسلامی، دیگر نمایش سالن سمندریان است که از ۱۷ فروردین ساعت ۱۹ به صحنه می‌رود.